

ویس و رامین به زبان ژاپنی

مثنوی ویس و رامین، اثر زیبا و جاودانه فخرالدین اسعد گرگانی سراینده نامور سده پنجم هجری، بتازگی با ترجمه دلنشین خانم دکتر امیکو اوکادا استاد و رئیس بخش ایران‌شناسی دانشگاه مطالعات خارجی توکیو در ژاپن انتشار یافته است. نمای کتاب که در ۵۹۱ صفحه از سوی انتشارات «هیونشا» در آمده، نمونه آمیزه‌ای استادانه از ذوق و زیبایی شناسی ژاپنی و فن چاپ پیشرفته است که حُسن سلیقه مترجم در انتخاب روی جلد زیبا بر آراستگی آن افزوده.

این کتاب از همان نخستین روزهای انتشار با تحسین اهل سخن و ایران‌شناسان ژاپنی روبرو شد و کار مترجم را با کلمه‌هایی مانند «ممتاز» و «ارزنده» و «زیبا» و «ترجمه‌ای روان و دلکش با کلامی لطیف و آهنگین» استقبال و ستایش کردند. برآستی هم بیان موزون شعرگونه و پراحساس مترجم در برگرداندن اثر، کیفیتی که اهل ادب ژاپن - تا آن جا که شنیده و خوانده‌ایم - جملگی برآند، باید بالاترین امتیاز کار خانم اوکادا شمرده شود، جدا از این فضیلت که شناساندن چنین گوهری از میراث ادبی ایران به دوستان ژاپنی، خود تلاشی ست ستودنی.

مترجم سالهاست که در قلمرو ادبیات تغزلی ایران میر و سلوک دارد. نام خانم اوکادا در ژاپن خسرو شیرین را به یاد می‌آورد که ترجمه وی از آن سالها پیش در سلسله «میراث ایران» منتشر شد. ویس و رامین هم برای مترجم داستانی دیر آشناست، و مقاله‌ای از او درباره آن در شماره سال ۱۹۷۱ مجله «اوریتو» نشریه انجمن شرق‌شناسی

ژاپن»، گواه بر این.

تا کاتسومی شییزو استاد ادبیات تطبیقی در دانشگاه کیوشو-ژاپن - در نقدی بر این ترجمه، با عنوان «داستانی عشقی در ادب فارسی»، زیبایی زبان ترجمه را تحسین کرده و مقایسه سروده فخرالدین گرگانی را با ترستان و ایزوت در ادب اروپا، که مترجم به آن پرداخته، بجا دانسته است. ایسائوماروتانی سخن شناس ژاپنی نیز در بحث ویژه‌ای که در شماره اوت ۱۹۹۰ مجله «گن دای» ژاپن منتشر شده، زبان این ترجمه را بسیار خوب و بنهایت زیبا وصف کرده و نیز گفته که سخن مترجم جای جای بیش از اندازه شاعرانه است.

بی گمان یک مایه عمده توفیق چشمگیر مترجم در این کار، حُسن انتخابش بوده است. ویس و رامین از زیباترین و دل‌انگیزترین سروده‌های پارسی ست و سرشار از تعبیرها و تشبیه‌های دلپذیر و امثال نغز. چنان که مرحوم دهخدا نیز در امثال و حکم خود از این کتاب فراوان بهره گرفته است.

برای دریافتن برخورد مترجم با اثر فخرالدین گرگانی، یا در واقع بینش ژاپنی از دنیای تغزل در شعر فارسی، نخست گذار داستان را بر پایه نوشته مینورسکی (ترجمه مصطفی مقربی، فرهنگ ایران زمین، ۴) باز می‌نگریم:

در مروپادشاهی بود نامش موبد که شاهان دیگر فرمانبردار او بودند. سالی در بهار جشنی آراست که در آن بزرگان از سراسر ایران با بانوان و دخترانشان گرد آمده بودند. زیباترین اینان شهرو بود که شاه موبد به دیدار او دل از دست داد و از او خواست که شهر بانویش گردد. اما شهرو گفت که مویش به سپیدی گراییده و از او فرزندان آمده است. پس شاه با او پیمان کرد که اگر دختری آورد او را بزنی به وی دهد.

پس از چند سال شهرو دختری آورد و او را ویس نامید و به دایه‌ای سپرد، و چون بار آمد و دختری زیبا شد او را به آیین آن روز به بسرادرش، و یرو، به همسری داد. اما در همین هنگام نامه‌ای از شاه موبد به شهرو رسید که پیمانی را که با شاه کرده بود به یاد می‌آورد و از او می‌خواست که ویس را بیدرنگ به مرو روانه کند. چون ویس زیر بار نرفت، شاه موبد خشمگین شد و از هر جا سپاهیان گرد آورد و و یرو نیز لشکری فراهم ساخت و دو سپاه در دشت نهاوند گرد آمدند و درگیر شدند. قارن پدر و یرو در این جنگ کشته شد و سپاه موبد پیروز بیرون آمد و پس از چندی شهرو بناچار ویس را راهی مرو کرد. ویس که با و یرو پیوندی نیافته بود، به موبد نیز تن نسپرد و نیز از دایه خود خواست که طلسمی بسازد که تا یک سال موبد نتواند بر او دست یابد. دایه طلسمی ساخت و در

کنار رود در خاک کرد، که تا طلسم آن جا باشد مرد برزن بسته ماند، و چون ویس بر شاه دل خوش کند آن را بیرون آورد و بسوزاند. از قضای بد، رود طغیان کرد و طلسم را آب برد و بدین سان شاه موبد همیشه برویس بسته ماند و ویس از هر دوشوی ناکام. در این میانه رامین برادرشاه موبد که از کودکی به ویس مهر بسته بود، به یاری دایه او را با خود مهربان می‌کند. داستان با رنگ و نیرنگ و قهر و آشتی این دو و مهر و خشم شاه موبد دنباله می‌یابد تا سرانجام، به خواسته ویس، رامین بر شاه موبد چیره می‌شود و با مرگ او به تخت می‌نشیند و با مردم داد می‌کند. ویس پس از هشتاد و یک سال با رامین بودن مرگش در می‌رسد و رامین هم در پگاه نوروز تخت شاهی را به پسر می‌گذارد و پس از سه سال گوشه گرفتن در کنار گور ویس در می‌گذرد:

روان هردوان درهم رسیدند به مینوجان یکدیگر بدیدند

مترجم در پایان کتاب، نسخه‌های زیر را منابع کار خود نام برده است: ویس و رامین چاپ مجتبی مینوی (چاپ دوم کتاب، ۱۹۳۵) و چاپ محمد جعفر محجوب (چاپ سوم کتاب، ۱۹۵۹)؛ ترجمه فرانسوی کتاب از هانری ماسه (H. Massé)، چاپ یونسکو، پاریس، ۱۹۵۹؛ ترجمه انگلیسی از جورج موریسون (George Morrison)، چاپ دوره «میراث فرهنگ ایران»، نیویورک، ۱۹۷۲؛ و مقاله‌های صادق هدایت (مجموعه نوشته‌های پراکنده، ۱۹۶۵، تهران) و مینورسکی (*Iranica*، لندن، ۱۹۶۲). در میان مآخذ ترجمه ذکری از چاپ چهارم و معتبر کتاب که توسط دو محقق گرجی، تودا و گوراخاریا، انجام گرفته است (دیده شود: یادداشت ۳ در مقاله جمشید گیوناشویلی «سخنی چند در باره متن شناسی منظومه ویس و رامین»، ایران‌شناسی، سال دوم، شماره ۱) نیست.

گراور روی جلد ویس و رامین چاپ استاد محجوب در آغاز ترجمه ژاپنی کتاب گویا است که این چاپ مرجع اصلی کار مترجم بوده و خانم اوکادا به استاد سالهای تحصیل خود در دانشگاه تهران وفادار مانده است. ترجمه‌های موریسون و ماسه هم برای برگرداندن واژگان کهنه و دقایق و مفاهیم باریک و دشوار راهگشا بوده است. خانم اوکادا کار ماسه را بیشتر از موریسون می‌پسندد. با اینهمه، مترجم شیفته شعرپارسی، در برابر پرسش بر این که مآخذ اصلی ترجمه متن فارسی کتاب بوده است تأکید نهاد. کار درست هم باید همین باشد.

کار جالب و تازه مترجم، سپردن سراسر داستان به سینه کامپیوتر است، گنجینه‌داری که به اشاره سرانگشت، هر واژه و سخنی را که پژوهنده بخواهد و برگزیند،

از سراسر کتاب گرد می‌آورد و به چشم بر هم زدنی در جام جهان نمایش باز می‌نماید. اگر روزی همتی مردانه در کار آید و آثار بزرگ ادب فارسی در این خشتهای جادویی اندوخته شود، گسترش و پیشرفت بسیار در کار تحقیق متون ادبی پدید خواهد آمد.

یادداشت مترجم در پایان کتاب در باره این اثر و دریافت خود از آن، نمودار گستره شناخت وی از این داستان عاشقانه است. در اشاره به زندگی سراینده اثر از قلم صادق هدایت (که ژاپنیان همچنان در افسونش بسته مانده‌اند، چنان که شاه موبد در طلسم دایه) می‌نویسد که گرگانی زندگی ناشادی گذرانند و به عشقی ناکام درافتاد. ویس و رامین در ایران سده‌های میانه که اخلاقیات قوی اسلامی غلبه داشت، هدف ایراد و انتقاد بود، اما این منظومه عاشقانه را دوستدارانش پنهانی نگاهداشتند.

در سخن از ساخت و بافت داستان، مترجم به مقایسه اثر گرگانی با ترستان و ایزوت می‌پردازد، موضوعی که مینورسکی هم در مقاله‌هایش اشاره کرده بود؛ عشق به مانع و پیچیدگی بر می‌خورد و بارور می‌شود. مانع راه یا رقیب در ویس و رامین شاه موبد است و در ترستان و ایزوت کینگ مارک. در اثر گرگانی افسون سازی دایه در کار است و در داستان ایزوت مهر داروی مادرش. خانم اوکادا در ویس و رامین به واژه «دشمن» و سخن از دشمنی فراوان برخورده و شمار این واژه را ۲۸۰ یافته است. شاید که دوبیت زیر در زاری رامین به دلدار، نمونه‌ای است:

نخواهم بی تو، یارا، زندگانی
نه آسانی، نه کام این جهانی
نترسم، چون تو را جویم، زدشمن
اگر باشد جهانی دشمن من

و نیز در پاسخ ویس: *شکوه علوم از آن و مطالعات فرهنگ*
مگر یزدان شما را دست گیرد ز ناگه آتش دشمن بنمیرد
مترجم می‌افزاید: «در آن روزگار دشمن بسیار بود، چه در بیرون، مانند بلاها و جنگها و غارتگریها، و چه در درون و نفس. در سده ۱۳ میلادی دشمن خارجی همان مغولان بودند، و در سده ۱۴ تیمور به ایران تاخت. سعدی و حافظ به این دشمنان اشاره دارند. انوری هم از توفان گفت (که خود داستانی دارد). اما ویس با چنین خصمها روبرو نیست. دشمن او ناکامی است که شاعر به آن پیرایه عشق پوشانده و آن را با بیانی حزن‌آور پسرورانده است. غم برای ایرانیان احساسی لطیف می‌سازد و هجر و اندوه و ناکامی معنایی عمیق دارد. جوهر عشق برای مردم شرق و غرب یکسان نمی‌نماید. ذوق شعری مردم ایران و ژاپن هم یک اندازه نیست. ما ژاپنی‌ها که موسیقی تهی موج نو گوشمان را انباشته است، باید احساسی لطیف برای دریافتن شعری چون ویس و رامین پیدا کنیم. در

شعر قدیم ایران، خیال شاعر با اشاره و ایهام فنا و نیستی به عرفان راه می‌برد». هر چند که گذار داستان و بس و رامین کمتر نشان از عرفان آشنای ایرانی دارد، مایه این شوق و شیفتگی مترجم برای پی جویی عشق، یا بیان شور و شیدایی، به مفهوم ایرانی آن را می‌توان در کوتاه آمدن شعر ژاپن در سخن بی‌پرده از دل‌باختگی دید. ادب دوستان می‌گویند که واژه عشق، در ژاپنی «آی» در بیان باز و بی‌پرده آن، یک سده پیش نیست که به زبانها آمده است.

مانیوه شو، قدیمترین مجموعه شعری ژاپن که در سده هشتم میلادی فراهم آمده است، از عشق خام و ساده می‌گوید؛ اما آن جا هم که از دل‌باختگی نوجوانان روستا سخن دارد، بیانش اشارتگر است، نه تصویر پرداز. برای نمونه، یکی از فصلهای مانیوه شو در باره «آزومه اوتا» (آوازه و ترانه های شرق ژاپن) از دختری می‌گوید که برای آب آوردن سر چشمه می‌رود، اما چون هوای دیدن پسر محبوبش را دارد، بی اختیار درنگ می‌کند و کنار چشمه را با پایا کردن می‌کوبد و هموار می‌کند. این، نشانه عشق طبیعی ست. در شعری دیگر، پسر به دیدن دختری زیبا نامش را می‌پرسد و دختر نام و نشان خود را می‌گوید. این پرسیدن نام همان ابراز عشق است، و پاسخ دختر نشانه قبول آن. به سخن استاد تاکه‌شی کاتسوفوجی، در مجموعه های شعری سده های پس از آن، مانند «کوکین-شو» و «شین کوکین-شو» که در قالب شعری «واکا» است، بیان عشق و احساس دلدادگی لعاب ادبی دارد و پرداخت شده است.

خانم دکتر اوکادا در پاسخ این که چه بهره از ویس و رامین را بیشتر دوست دارد، می‌گوید که لطیف ترین سخن این منظومه ده نامه ویس به رامین است، و در این میان نیز نامه نهم دل انگیزتر است و زیباترین تصویرهای شاعرانه را دارد، آن جا که تعبیر جام (ج، الف، م) را در وصف پریشانی و پژمردگی خود و سرزندگی معشوق در کار می‌آورد:

جهان هرگه شده بر من چنین است امید من شکسته همچو جیم است
مرا چون لام و نامه قد دوتاست تورا همچون الف ها قامت راست

در پایان ترجمه هم می‌نویسد: «نظامی با الهام گرفتن از ویس و رامین بود که توانست لیلی و مجنون را بسراید، و این تعبیر را هم آورده و گفته است که زلف لیلی مانند «ج» است و قامتش چون «الف» و دهانش چون «م» بدین سان، جمال دلدار در نگاره «جام» نموده می‌شود که تعبیری لطیف است».

نامه های چندگانه عاشقانه در ادب ژاپن هم مانند دارد. در مانیوه شو، که پیشتر از آن

یاد شد، «هفت نامه منظوم که او و تومویا کاماچی برای دختری فرستاد» آمده است (شماره های ۷۱۴ تا ۷۲۰). در نامه نخست می خوانیم:

آرزویت را در دل پرورده ام،
اما راهی برای دیدارت نیست.
همان می توانم از دور آه بکشم.

نیز در سخن رامین است:

مرا درد آمد از نادیدن دوست کنون درمان من هم دیدن اوست
مرا شادی و غم هر دو از آن است که دیدارش مرا خوشتر از جان است
مترجم در بیان شوقش در این کار می نویسد که انگیزه های گوناگون داشته است، مانند این که برای ویس پیش از به دنیا آمدنش همسری نامزد کردند اما او آن را نپذیرفت و به عشق رامین در افتاد. هر چند که وانمود که بی تفاوت است.

در محیط اجتماعی سده های گذشته، خواندن ویس و رامین را برای زنان و دختران ناشایست می دانستند، چنان که انوری گفته است:

زین بد را قلم به دست مده دست خود را قلم کنی، آن به...
او که الحمد را نکرده درست ویس و رامین چراش باید جُست

اما خانم اوکادا نتیجه می گیرد که این اثر بویژه برای این گروه آموزنده است. در مقایسه با تریستان و ایزوت، رفتار ویس نمود هرزگی و بی بندوباری ندارد؛ ویس تنها با رامین پیوند داشته و همیشه به او وفادار مانده است. این البته نظر مترجم است، اما دایه ویس اندرز دیگری برای او دارد و در برانگیختنش بسوی رامین می گوید که زنان مهتران و نامداران جهان اگر چه شوی نامور دارند، باز «نهانی دیگری را یار دارند». با این همه انصاف باید داد که داستان افسون و نیرنگ زنان که بویژه در ادبیات عامیانه ایران و بسیاری از کشورها آب و رنگ دارد، جدا از انگیزه هوسهای نهان و نیز ضعف درون، مقاومتی در برابر زورگویی و فشار در جامعه مردسالاری بوده است.

گفت و گویی میان دو ادیب و سخن شناس ژاپنی، ایساتو ماروتانی برنده جایزه ادبی «آکو تاگاوا» و نوبوتا کا فوروهاشی پژوهنده ادبیات قدیم ژاپن، که در شماره اوت ۱۹۹۰ مجله «گین دای» توکیو چاپ شده است، نمونه ای از دریافت و احساس جامعه ادبی ژاپن از این اثر به دست می دهد. اینان، در مقایسه، می گویند که داستانهای ادبی ژاپن پایان غم انگیز دارد و درد آندوهی که از آن بر دل می نشیند، جانمان را صافی

می‌کنند؛ اما ویس و رامین چنین نیست؛ دو دل‌داده به هم می‌رسند، و به هر چه می‌خواهند. «در این داستان زنی میانه سال گرداننده اصلی است. در داستان ادبی کهن ژاپن بنام «گن جی- مونوگاتاری» هم چنین نقش آفرینی هست؛ ندیمه‌ای که میان بانوی جوان خود و مرد دل‌باخته او میانه‌دار است و مرد برایش هدیه‌ها می‌فرستد. اما «دایه» ویس زن خاصی است و از رامین چیزی نمی‌پذیرد جز انگشتی، اما پیش از آن از رامین کام دل می‌یابد و پیمان می‌بندد که دل ویس را با وی نرم کند. در ادبیات ژاپن دوره «هیان» (سده‌های هشتم تا دوازدهم میلادی) هم چنین ماجرابی بوده است. زن میانه سال میان‌دانه همان رسم و راه عاشقی و نزدیک شدن به دلدار، که بسیاری چیزهای بایسته در زندگی به مرد جوان می‌آموزد. در ویس و رامین این زن کارکردهای گونه‌گون دارد؛ دایه است و جادوگر و افسون‌ساز و نیرنگ‌باز، دایه ویس و یار رامین. «قهرمان» این داستان به واقع دایه است، نه ویس و رامین».

«نکته دیگر این است که در داستانهای عشقی باختر زمین مانند ترستان و ایزوت یا رومئو و ژولیت، نام مرد پیش از زن می‌آید، اما در ادبیات ژاپن نام زن پیش است، مانند «اوکارو و کامپی» در داستان معروف «کانایه هون چوشین - گورا». در ویس و رامین هم نام زن اول است و این می‌رساند که فرهنگ ایران تا چه پایه به فرهنگ ژاپن نزدیک است.»

مهر ۱۳۶۹

اوسا کا - ژاپن

بخش زبان فارسی، دانشگاه مطالعات خارجی اوزاکا، ژاپن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی